

## پیش‌خوانی

**در حاشیه انتشار اثر «در چگونه اندیشیدن تجدیدنظر کنیم»**

**تاریخچه یک «باز اندیشی»**

■ **علی احمدی فراهانی**



جزوه «در چگونه اندیشیدن تجدیدنظر کنیم»، شامل یک مقاله پژوهشی از استاد حیدر رحیم‌پور از‌غدی است که پیش‌تر در نشریه معارفی «سمات» درج شده و به دنبال درخواست علاقه‌مندان، به شکل مجزا در این دفتر روانه بازار نشر گشته‌است. در بخش پایانی این مقال که از آن نتیجه‌گیری شده، فراهایی آمده‌ است که بازخوانی آن در این مقام، بهنگام و مفید تواند بود. «اگر می‌خواهید بر فهم کتاب و سنت‌های آئین‌تان بیفزایید، با کاوش‌های جدیدی در فهم بیشتر آئین بپردازید. به گوش باش برادر! به خدا این نقص است که هنوز در فهم قرآن‌مان از بیگانه و در درک نهج‌البلاغه از غیرشیعه مدد بجوییم. آیا رواست با این همه ادعا معانی واژه‌های دین و مذهب‌مان را از لغت‌نامه‌هایی بیاموزیم که بسیار نشان اگر غرضی نداشته باشند، دانش و قدرت استنباط معانی لغات را نداشتند؟» پروید «المنجد» را بخوانید و ببینید پیرامون واژه حیاتی «ولی» چه را جغفی را به ثبت رسانده‌ است. او حتی نمی‌داند «ولی»، «وَلِی» و «ولی» لغت و به سه معنا هستند.

آری! چه زشت است برای تعلیم طلاب پیرامون کتاب و سنت‌های ما یهودی لغت‌نامه بنویسد و حوزه ما تنها مصرف‌کننده باشد! و نیز المعجم المفهرس و شرح نهج‌البلاغه حضرت علی(ع) را برداران سنی مذهب همچون ابن ابی‌الحدیث، شیخ‌محمد عبده و… بنویسند و مشغول ریز‌خواری به تفلسف این و آن، بلکه مقلدانه استدلال کنید. هنوز به‌شدت نیازمند فقه اللغه راغب باشیم؟! اگر می‌خواهید به فقه اکبر بپردازید، تفلسف و تدریات بر پایه‌های محکمات کتاب و سنت باشد. به خدا قسم پیشرواینان از دیگران به فقه اکبر و اصغر واقف‌ترند و درایت بیشتری داشته و بدون تحریف آیات و سنتن‌های الهی به حل مشکلات بسیاری پرداخته‌اند. به شدوذات نیز دازید و نه هم به تفلسف این و آن، بلکه مقلدانه استدلال کنید. چه پیامبرتان در غدیر خم سوگند یاد کرد جزئیل آنچه را که دیگران نمی‌دانند به من آموخت و من آنها را به علی(ع) آموختم.<sup>(۱)</sup> نمی‌گویم در همه جا متکلمانه بحث کنید، تفلسف ورزید و اهل تفکر باشید، لیکن اگر مسلمانید باید بر پایه بنیادهای آسمانی بیندیشید و بندهای خود را به کتاب و سنت ارائه کنید و احکام را به خاطر اینکه با مصورات شما بسازند چاق و لاغر نکنید. پندارهایتان را با محک الهی بسنجید و تبدیل به محکمات سازید و آگاه باشید مشکلات فلسفی دبروز، مشکلات امروز نیستند. به مشکلات روزتان بپردازید، چه سخنان گذشتگان وحی نیستند. سروران! روی سخنم تنها با متفلسفان نیست. ۳۰ سال پیش نوشتم، حوزه‌های علمیه امروز بر پایه تقلید اجتهاد می‌کنند و بیشتر به‌جای تفقه، استنباط و حل مسائل روز به تدریس و تحصیل دو باره موضوعاتی می‌پردازند که پیشینیان به خوبی حل و فصل کرده‌اند و نارواتر به‌جای اینکه پاسخگوی مسائل روزشان باشند و به مسائلی که چنان‌شان را حیران ساخته است بپردازند، مسائل پیشینیان و دورانی را که انسان‌ها به‌سادگی می‌زیستند، نقل می‌کنند.

اینجا می‌خواهم در شرمی که دخرتم برابم آفرید، شما را شریک سازم. او کار شناس زبست‌شناسی و آشنا به مسائل روز است، وقتی ازدواج کرد از اینکه خانه‌داری و ادامه تحصیل را ناسازگار می‌دید افسرده بود و برادرش که شناخته شده‌ است، گفت در خانه با نیت‌نام در دوره‌های غیر حضوری دانشکده‌ای دینی به تحصیل ادامه بدهد و او نیز چنین کرد. ضمن مطالعه کتب درسی‌اش ملزم به مطالعه توضیح‌المسائل شده بود و به دقت یک دانشجوی هوشیار به مطالعه توضیح‌المسائل پرداخت و نتیجه گرفت، همه مسائل اسلام بر پایه آنچه توضیح‌المسائل ادعا می‌کند دو سه هزار مسئله بیشتر نیست! که چند تایی پیرامون زکات و مالیات اسلامی و بیشترش راجع به زکات دیمه کاران، چوپانان و فقیرترین قشر جامعه و از این قبیل است.

■ **بپی‌نویست:**

(۱) پیامبر اکرم(ص) در خطبه غدیر فرمود: «مَعَاذَ النَّاسِ، فَلَوْلَا مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَخْصَأَهُ اللَّهُ فِي، وَكَلَّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَخْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ بِنِ: ﴿وَ كُلُّ شَيْءٍ أَخْصِيَانَةٌ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾» هان مردمان! او را بر تر بدیناد، زیرا هیچ داناتی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نوشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیز گاران، علی ضبط کرده‌ام. او پیشوای روشنگر است که خداوند وی را در سوره یس یاد کرده‌ است: «و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده‌ایم…»

## تاریخ

کفت‌و‌گو: ۸۸۴۹۴۳۸



**مسجد جاوید تهران** و **سخنرانی‌های روشنگر «آقا سیدعلی خامنه‌ای» در دوران مبارزه**

# یک سخنرانی یک دستگیری، یک زندان

■ **محمد رضا کائینی**

**مسجد جاوید تهران در دوره‌ای که شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتاح امامت آن را بر عهده داشت، از پایگاه‌های انقلاب به شمار می‌رفت. این روند تا دستگیری شهید مفتاح و سر آغاز غیر سیاسی شدن این مسجد تداوم یافت. مقالی که پیش‌ رو دارد، جوانسی از فعالیت‌های مبارزاتی این کانون را روایت کرده‌ است.**

■ ■ ■

اگر چه مسجد جاوید تهران با ورود امام جماعت فعال و پر تحرکی چون شهید آیت‌الله مفتاح، شور و تحرکی کم‌مانند یافته بود، اما با آغاز سال ۱۳۵۳ فعالیت‌های سیاسی این مسجد رنگ دیگری یافت. دکتر مفتاح و مسئولان مسجد بیش از پیش از وعاظ و سخنرانان دعوت کردند و جلسات درس را در مسجد گسترده‌تر تشکیل دادند. در این زمان افرادی چون آیات و حجج اسلام مهدوی کنی، سبزواری و درّی نجف‌آبادی جهت سخنرانی به مسجد دعوت شدند و جلسات پرشوری با حضور دانشجویان و اقشار مختلف مردم تشکیل می‌گردید.<sup>(۱)</sup> این مسئله باعث حساسیت ساواک و فعالیت‌های دکتر مفتاح در مسجد شد. چنان که در یکی از گزارش‌های ساواک شمیرانات آمده‌ است: «برابر مراقبت‌های لازم شیخ محمد مفتاح امام جماعت مسجد جاوید در خیابان قدیم شمیران، ایستگاه باغ صبا (لارخ از حوزه استحفاظی این ساواک) می‌باشد و شب‌ها بعد از نماز به امام جماعتی مشارالیه وعاظی منبر رفته، با ذکر مسائل دینی سخنرانی هم می‌نمایند و در طول هرماه دانشجویان شرکت می‌کردند. سعید علم‌الهدی در مورد شرکت کنندگان می‌گوید: «استقبال از سخنرانی‌ها خوب بود. در بین شرکت کنندگان دکتر سبحایی و مهندس سازگان نیز دیده می‌شدند. دانشجویانی مانند مهندس محمدهاشم رهبری<sup>(۲)</sup> و آقای ابراهیمی دانشجوی سابق دانشگاه علم و صنعت نیز در جلسات وعظ و خطابه شرکت می‌کردند.»<sup>(۳)</sup>

■ **مسجد جاوید، پایگاهی برای انقلابیون**
در کنار تشکیل جلسات سخنرانی، وعظ و تشکیل کلاس‌های درس، عده‌ای از افراد انقلابی نیز در مسجد تردد می‌کردند. برداران خانی، آقای حقیقت و شهید فیاض‌بخش<sup>(۴)</sup> از فعالان سیاسی مسجد جاوید در این دوره بودند که جلسات خود را در دفتر مسجد واقع در طبقه دوم برگزار می‌کردند.<sup>(۵)</sup> به گفته «سعید علم‌الهدی» از فعالان آن دوره مسجد، در این زمان یکی از فعالیت‌های انقلابیون پخش اعلامیه بود. در مسجد جاوید نیز شهید فیاض‌بخش به پخش اعلامیه می‌پرداخت. ایشان بسیاری از اعلامیه‌ها را در جابه‌ری‌ها

وزیر جزه‌های قرآن قرار می‌داد تا بدین ترتیب به دست مردم برسد.<sup>(۶)</sup> به‌طور کلی جهت‌گیری افراد فعال در مسجد روشن نبود و حتی جزو گروه و حزب خاصی نیز نبودند. سعید علم‌الهدی در این مورد چنین می‌گوید: «بحث احزاب زیاد در مسجد مطرح نبود. گرایش به یک حزب و گروه وجود نداشت. جهت‌گیری افراد چندان روشن نبود. البته شهید مفتاح خود از روحانیت مبارز بود و از آنها دعوت می‌کرد.»<sup>(۷)</sup> اگر حقیقت با فعالیت دکتر مفتاح و یارانش در مسجد جاوید خلایی که پس از بسته شدن مساجد هدایت‌ و الجواد و همچنین حسینیه ارشاد به وجود آمده بود، جبران‌شده، این امر حساسیت و نگرانی ساواک را بیشتر کرد، چنان که در یکی از گزارش‌های آنها آمده است: «نو مسجد جلیلی و مسجد جاوید در حال حاضر جامع حسینیه ارشاد و مسجد هدایت را گرفته و عناصر متعصب در این دو مسجد اجتماع می‌نمایند. دستور تحقیق و مراقبت به ساواک تهران داده شود.»<sup>(۸)</sup>

در ماه رمضان ۱۳۵۳ فعالیت‌های مسجد بیش از پیش رنگ سیاسی به خود گرفت. دکتر مفتاح به‌رغم متعصب در این دو مسجد اجتماع می‌نمایند. دستور تحقیق و مراقبت به ساواک تهران داده شود.»<sup>(۹)</sup>

سخنرانان و مداحانی چون آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله محمد حسینی بهشتی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، فخرالدین حجازی و حسین شمسایی جهت وعظ و تدریس در این امر دعوت به عمل می‌آورد. مباحث اداره اطلاعات در این مورد به پلیس تهران ابلاغ می‌کند که وی ممنوع‌المعبر بوده و مجاز به تشکیل کلاس یا هر گونه سخنرانی در مساجد و منابر نمی‌باشد. به همین جهت دستور داده شد در صورت مشاهده (موارد فوق) از سخنرانی وی جلوگیری به عمل آوړند.<sup>(۱۰)</sup>

پس از مدتی دکتر مفتاح از سوی ساواک دستگیر شد و حاج عباس جاوید، بانی مسجد به کلاتری احضار و تعهد نمود که از تشکیل کلاس تفسیر قرآن و هر گونه فعالیت غیر عادی در مسجد جلوگیری به عمل آید. به دنبال تعهد عباس جاوید، دکتر محمد مفتاح نیز آزاد

شد و امامت جماعت مسجد را دوباره بر عهده گرفت. اما ممنوع‌المعبر شد.<sup>(۱۱)</sup>
■ **سخنرانی‌های آیت‌الله مفتاح و استقبال نسل جوان**
در این میان سخنرانی‌های دکتر مفتاح با استقبال بیشتری همراه بود. بنا به گفته خاتم معصومه جاویدی استقبال از سخنرانی‌های وی به حدی بود که شب‌های جمعه در خیابان و کوچه‌های اطراف مسجد، فرش پهن می‌کردند و مردم و حتی زنان به‌طور گسترده از سخنان وی استقبال می‌نمودند. به گفته ایشان شب‌های ۲۱ و ۲۲ ماه رمضان، تا سوعا و عاشورای سال ۱۳۵۳ بیشترین جمعیت در مسجد جهت سخنرانی دکتر



گزارش ساواک در این مورد چنین آمده‌ است: «روز ۱۳۵۳/۳/۱۱ آگهی تحت عنوان اینکه از تاریخ ۵۳/۳/۳۱ سیدعلی خامنه‌ای به مدت ۱۰ شب بعد از اقامه نماز مغرب و عشا در مسجد جاوید واقع در خیابان کوروش کبیر (جاده قدیم شمیران) منبر خواهد رفت، به دیوار مسجد نصب شده بود.»<sup>(۱۲)</sup> علاوه بر این، یک‌بار دیگر از آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در تیر ۱۳۵۳ مقارن با ایام فاطمیه جهت سخنرانی در مسجد دعوت شد، اما وی به علت کسالت پدرش نتوانست در مسجد جاوید حضور یابد و اعلام کرد از آنجا که در ماه رمضان در مشهد برنامه دارد، بعد از ماه رمضان برای وفات امام جعفر صادق(ع) به مسجد خواهد آمد.<sup>(۱۳)</sup>

■ **دعوت از آیت‌الله خامنه‌ای و ریسکی که شهید مفتاح پذیرفت**

دعوت از آیت‌الله خامنه‌ای در آن شرایط کار ساده‌ای نبود، چرا که وی هم از طرف ساواک تحت مراقبت بود و هم دکتر مفتاح از طرف دیگر بانی و متولی مسجد برای آنکه فعالیت‌های مسجد با ممانعت ساواک و شهربانی مواجه نشود، از سپردن تعهد برای بعضی از سخنرانان خودداری می‌کرد. سرانجام آیت‌الله خامنه‌ای در شب‌های ۱۸ و ۱۹ آبان به مناسبت وفات امام صادق(ع) در مسجد جاوید حاضر شد.<sup>(۱۴)</sup> «سعید علم‌الهدی در این رابطه می‌گوید: «در شب ۱۹ آبان ابتدا دکتر سیدحسین شمسایی، مداح مسجد شعری در مورد فلسطین خوانده و آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه بحث در مورد فلسطین و صلح امام حسن(ع) سخنرانی نمود. از آنجایی که وی تحت نظر ساواک بود، پس از پایان سخنرانی، او را از ورودی زانه به بیرون هدایت کردند. روز بعد خبر آمد که آقای خامنه‌ای دستگیر

مفتح و دیگر روحانیون حضور داشتند.»<sup>(۱۵)</sup> اقدامات و فعالیت‌های دکتر محمد مفتاح از چشم ساواک دور نماند و با توجه به سوابق او در مراکز امنیتی و انتظامی، با دقت کنترل و گزارش می‌شد. چنان که پرویز ثابتی، مدیر کل اداره سوم ساواک طی دستوری به ریاست ساواک تهران در مورد فعالیت‌های دکتر محمد مفتاح چنین اظهار نمود: «گزارشات واصله حاکی از آن است که بر خلاف تعهداتی که واعظ مذکور، دایر بر قطع اقدامات خویش سپرده است و به علت آنکه این شخص به جهت ممنوع‌المعبر بودن نمی‌تواند شخصا در بالای منبر مویجات گمراهی عناصر متعصب مذهبی رافراهم

سازد، از چندی قبل در جلسات مسجد جاوید (که یاد شده در آن اقامه نماز جماعت می‌نماید) تحریکات و برنامه‌های سونی را به‌طور غیر مستقیم دنبال می‌نماید و یکی از این اقدامات سوء، دعوت وعاظ و طلاب ناراحت جهت سخنرانی در مسجد مورد بحث است. به علاوه، قرآن امر گویای آن است که به احتمال قوی روحانی مذکور از طریق دیگر نیز نیت سوء خود را به مرحله عمل می‌گذارد.» در پایان گزارش نیز خواسته شده است از اقدامات لازم نسبت به موارد خواسته شده مذبول گردد.<sup>(۱۶)</sup>

آنچه بیش از هر چیز حساسیت مأموران را برانگیخت، تجمع دختران و پسران جوان و دانشجو در مسجد جاوید و تدریس در این امر دعوت به عمل می‌آورد. مباحث اداره اطلاعات در این مورد به پلیس تهران ابلاغ می‌کند که وی ممنوع‌المعبر بوده و مجاز به تشکیل کلاس یا هر گونه سخنرانی در مساجد و منابر نمی‌باشد. به همین جهت دستور داده شد در صورت مشاهده (موارد فوق) از سخنرانی وی جلوگیری به عمل آوړند.<sup>(۱۷)</sup>

پس از مدتی دکتر مفتاح از سوی ساواک دستگیر شد و حاج عباس جاوید، بانی مسجد به کلاتری احضار و تعهد نمود که از تشکیل کلاس تفسیر قرآن و هر گونه فعالیت غیر عادی در مسجد جلوگیری به عمل آید. به دنبال تعهد عباس جاوید، دکتر محمد مفتاح نیز آزاد شد و امامت جماعت مسجد را دوباره بر عهده گرفت. اما ممنوع‌المعبر شد.<sup>(۱۸)</sup>
■ **سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای و تعطیلی مسجد جاوید**
هم‌زمان با بالاگرفتن فعالیت‌های سیاسی مسجد، دکتر مفتاح از آیت‌الله خامنه‌ای دعوت نمود تا در شب‌های ۱۸ و ۱۹، مضان سال ۱۳۵۳ در مسجد جاوید سخنرانی نماید. البته قبل از این تاریخ نیز چندین‌بار از آیت‌الله خامنه‌ای جهت ایراد سخنرانی دعوت شده بود، اما این برنامه‌ها به دلایلی عملی نشده بود. در مسجد مزبور سخنرانی کم.»<sup>(۱۹)</sup>

■ **سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای و اختلاف سلیقه شهید مفتاح با بانی مسجد**

هم‌زمان با بالاگرفتن فعالیت‌های سیاسی مسجد، دکتر مفتاح از آیت‌الله خامنه‌ای دعوت نمود تا در شب‌های ۱۸ و ۱۹، مضان سال ۱۳۵۳ در مسجد جاوید سخنرانی نماید. البته قبل از این تاریخ نیز چندین‌بار از آیت‌الله خامنه‌ای جهت ایراد سخنرانی دعوت شده بود، اما این برنامه‌ها به دلایلی عملی نشده بود. در مسجد مزبور سخنرانی کم.»<sup>(۲۰)</sup>
■ **سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای و اختلاف سلیقه دکتر محمد مفتاح با بانی مسجد آشکار شد.**
در گزارش اداره پلیس تهران در این باره آمده‌ است: «.اخیرا در مسجد مذکور اختلافی بین آقای عباس جاوید، متولی و بانی و آقای محمد مفتاح پیش‌نماز مسجد و استاد دانشکده الهیات در نحوه اداره کردن و دعوت وعاظ به وجود آمده‌ است. با توجه به سوابق موجود راجع به مسجد جاوید تاکنون جهت دعوت از آقایان وعاظ، بانی مسجد به نام حاج عباس جاوید، برابر روش جاری نام وعظ مربوط را طبق تقاضا به اجازت ره گزار ی مجلس وعظ را صادر می‌نمود، لیکن اخیرا به لحاظ دخالت‌های بی‌مورد و فعالیت‌های خارج از وظایف از طرف شیخ محمد مفتاح که استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران و از وعاظ ممنوع‌المعبر و پیش‌نماز مسجد جاوید می‌باشد، اختلافی فی‌مابین بانی مسجد آقای جاوید و آقای مفتاح پیش‌نماز مسجد به وجود آمده‌ است. در نتیجه وعاظی را که آقای مفتاح دعوت می‌نماید، مورد تأیید بانی مسجد قرار نمی‌گیرد، کما اینکه لیله ۱۹/۸/۵۳ آقای مفتاح وعاظی به نام خامنه‌ای را بدون اعلام

## سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد جاوید: زمین‌ساز دستگیری ایشان شد

قبلی به مسجد دعوت و بدون مجوز مبادرت به سخنرانی نموده‌ است.»<sup>(۲۱)</sup>

■ **بازجویی از شهید مفتاح به خاطر اختلاف با بانی مسجد**

در پی این مسائل حاج عباس جاوید بانی مسجد به کلاتری منطقه احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی خود اظهار کرد که دکتر مفتاح، مسجدرابه کلاس درس تبدیل کرده‌ است؛ در حالی که در دانشگاه برای این کار امکانات بهتری وجود دارد. کلاتری منطقه دکتر مفتاح را نیز احضار کرد و وی را مورد بازجویی قرار داد. وی در بازجویی بیان کرد: «هدف من سخنرانی برای جوان‌ها و مواردی است آ که برای آنها نافع باشد. در صورتی که آقای جاوید می‌خواهند در مسجد فقط و فقط به سبک قدیم روضه‌خوانی و نماز باشد و من می‌خواهم که نسل جوان به مسجد بیایند.»<sup>(۲۲)</sup>

■ **روایتی دیگر از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد جاوید**

علیرضا قرانی از دانشجویان مبارز دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف) در خاطرات خود گفته‌ است: «ما برای شنیدن سخنرانی بزرگان دین در تهران به چند مسجد می‌رفتیم که یکی از این مساجد، مسجد جاوید بود؛ در پایین شمیران که در آن سال‌ها خیابان کوروش هم می‌گفتند و الان در حال حاضر خیابان دکتر علی شریعتی نامیده شده‌ است. جاوید اسم مؤسس آن مسجد بود و مدیریت مسجد را هم دکتر مفتاح برعهده داشت و بخشی از سخنرانی‌های شهید مفتاح هم در آنجا برگزار می‌شد. پاییز سال ۱۳۵۳ در سالروز شهادت امام صادق(ع) اطلاع یافتیم که قرار است آیت‌الله خامنه‌ای به تهران بیاید و در مسجد جاوید سخنرانی کند. به همراه سایر دوستان در مسجد جاوید حاضر شدیم تا در سخنرانی ایشان حضور داشته باشیم، ولی ایشان نیامدند تا اینکه دکتر مفتاح پشت تریبون قرار گرفت و گفت که به آقای خامنه‌ای اجازه ندادند تا به تهران بیاید و با این حرف به نوعی چراغ سبز داد تا حاضران واکنش نشان دهند. بعد از اینکه دکتر مفتاح این حرف را گفت، ما از مسجد بیرون آمدیم و شروع به تظاهرات در خیابان کردیم و رفته‌رفته شعار مرگ بر شاه هم گفتیم و در حالی که این شعار را تکرار می‌کردیم، فرار نموده و سعی می‌کردیم از هم فاصله داشته باشیم تا اگر یکی را گرفتند دیگری دستگیر نشود و همگی یک‌جا نباشیم. این اولین تظاهراتی بود که من در خارج از محیط دانشگاه شرکت می‌کردم. همان روز گفته شد که آقای خامنه‌ای فردا خواهند آمد، ولی من و بعضی از دوستان به خاطر اینکه احتمال می‌دادیم اجازه



ندهند، فردایش ترفتم، ولی ایشان به مسجد جاوید آمده و سخنرانی کرده بودند که این سخنرانی در آن روزها نقطه عطفی در مبارزات شده بود؛ چون بعد از این سخنرانی، هم دکتر مفتاح و هم آیت‌الله خامنه‌ای دستگیر و مسجد جاوید را تعطیل کرده بودند. وقتی که بعدا شنیدم ایشان آمده و سخنرانی هم کرده، از برخی دوستان که در مسجد حضور پیدا کرده بودند، نوار سخنرانی ایشان را گرفتم و گوش دادم و این اولین باری بود که صدای آیت‌الله خامنه‌ای را می‌شنیدم. بعد از این جریان یک جور دیگر هم با آیت‌الله خامنه‌ای شناخت پیدا کردم. کتاب ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی نوشته سیدقطب در ترجمه سیدعلی خامنه‌ای و کتاب دیگر در این دوران که خیلی در من تأثیر گذار بود، کتاب نقش مسلمانان در استقلال هندوستان بود و نیز در جمه کتاب صلح امام حسن(ع) توسط ایشان.»<sup>(۲۳)</sup>

با انعکاس گزارش‌های ارسالی از شهربانی و ساواک، در مورد فعالیت دکتر مفتاح در مسجد جاوید، در روز سوم آذر ۱۳۵۳ ریاست واحد اجرایی کمیته مشترک ضدخرابکاری، دستور گرفت تا نسبت به شناسایی، دستگیری و بازرسی از محل سکونت وی اقدام کند و دکتر مفتاح به کمیته مشترک ضدخرابکاری تحویل داده شود. بلافاصله دکتر دستگیر و به زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری منتقل گردید. با دستگیری وی مسجد جاوید نیز تعطیل شد.<sup>(۲۴)</sup>

پس از دستگیری دکتر مفتاح و تعطیلی مسجد، آقای جاوید، حاج سیدابوطالب داودی را به عنوان امام جماعت مسجد معرفی نمود که این اقدام با موافقت مقامات روبرو و شد. خروج دکتر مفتاح از مسجد جاوید پایان دوره‌ای از حرکت سیاسی –فرهنگی مسجد بود و دیگر پس از آن جمعیت چندانی به مسجد وارد نشد. به گفته سعید علم‌الهدی: «امام جماعت جدید اصلاً وارد مباحث سیاسی نمی‌شد. عباس جاوید نیز مسجدر را به اوقاف واگذار کرد. درگذر از آن جمعیت چند نفری خبری نبود تا اینکه انقلاب پیروز شد.»<sup>(۲۵)</sup>

■ **پی‌نوشت‌ها در سر و پس گفت‌و‌گو موجود است**



**آیت‌الله خامنه‌ای پس از ضدخرابکاری شد. این ششمین و سخت‌ترین بازداشت وی بود، چنان که خود بدان اشاره دار ند:**

**«مدت‌ها در سلولی با سخت‌ترین شرایط و همواره با بازجویی‌های دشوار، در وصفی که فقط برای آنان که آن شرایط را دیده‌اند قابل فهم است، نگه داشته شدم»**



**کتاب‌های تخریبی مسجد جاوید در تهران**

ساواک با دستگیری شهید مفتاح فعالیت‌های مسجد جاوید را تعطیل کرد